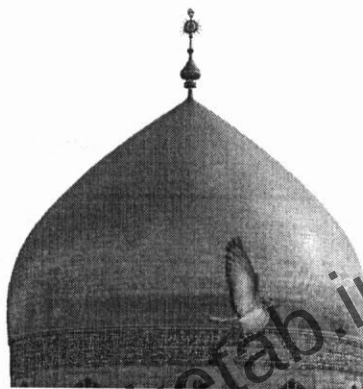


هم جانی و هم جانانی



فاطمه نودهی



انتشارات صباى الوند

تهران ۱۴۰۳

سرشناسه	:	نودهی، فاطمه، ۱۳۷۰-
عنوان و نام پدیدآور	:	هم‌جانی و هم‌جانانی / فاطمه نودهی : ویراستار مهناز سیدجواد جواهری
مشخصات نشر	:	تهران: صبای الوند، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۰۸ ص: مصور: ۱۴/۲۱۰۵/۵ س.م.
شابک	:	978-622-90204-6-3
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ Short stories, Persian -- 20th century
رده‌بندی کنگره	:	PIR۸۳۶۲
رده‌بندی دبویی	:	۸۳۶/۲۶
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۵۰۶۴۷۵



انتشارات صبای الوند

نام کتاب	:	هم‌جانی و هم‌جانانی
ناشر	:	صبای الوند
نویسنده	:	فاطمه نودهی
ویراستار	:	مهناز سیدجواد جواهری
مدیر فنی	:	رامین موسوی
صفحه‌آرا	:	پروانه نصرالهی
چاپ اول	:	۱۴۰۳
شمارگان	:	۲۰۰ نسخه
چاپ	:	پیشگامان
بها	:	۱۰۰ تومان (صدهزار تومان)
شابک	:	978-622-90204-6-3

همه حقوق چاپ و نشر این اثر برای نشر صبای الوند محفوظ است.
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر روش بدون
مجوز کتبی از ناشر ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

نشر صبای الوند: تهران، شریعتی، خیابان سمیه، کوچه طباطبایی مقدم بن بست بهار پلاک ۶
تلفن ۷۷۶۵۴۵۲۱

بست الکترونیکی:

Sabayealvand@yahoo.com
Sababook1400@gmail.com

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۱	 پرواز کبوتر
۲۱	 اذن
۲۹	 جلد
۳۵	 هم جانی و هم جانانی
۴۱	 الوعده وفا
۴۷	 امانت
۵۳	 آمدم ای شاه پناهم بدم
۶۳	 بازگشت
۷۳	 زیر درخت انجیر
۸۱	 کبوترانی سفید با حلقه‌هایی سبز
۸۹	 هشتمین روز
۹۵	 مضراب شکسته
۱۰۳	 شام دو نفرم

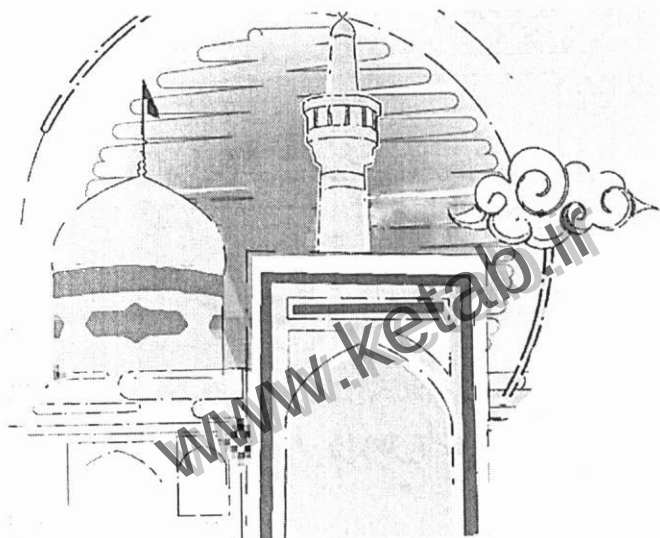


تقدیم بہ ساحت مقدس امام جانم،

حضرت شمس الشموس

علی ابن موسی الرضا (علیہ السلام)۔

www.ketab.ir



مقدمه

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده‌اند: «پاره تن من در خراسان دفن خواهد شد، هیچ گرفتار و گنهکاری او را زیارت نکند جز این که خداوند گرفتاری او را برطرف سازد و گناهانش را ببخشد.» خیلی وقت‌ها در زندگی هیچ چیز و هیچ کس خوشحال و آرامت نمی‌کند تا این که روی می‌آوری به مقدمات. چنان دلت آرام و قرار می‌گیرد و قرص می‌شود که از کوه مشکلات و ناملایمات دنیا هم دیگر نمی‌ترسی.

(رازی که بر غیر نگفتیم و نگوییم

بادوست بگوییم که او محرم راز است)^۱

من گرفتار، من رنجیده خاطر، من کم‌ترین روی آوردم به خورشید هشتم، همان مهربانی که پدر و مادرم از بچگی یادم داده بودند هروقت

۱. حافظ شیرازی

۱۰. سیم بان و بزم بانانی

برایم مشکلی پیش می‌آید به صحن و سرایش پناه بیاورم. پناه آوردم و دلم را گره زدم به ضریح فولادینش.

آقا جان که دریای معرفت است، من رو سیاه را از درگاهش نرانند، پناهم داد. آرامشی به جان پرتلاطمم نشست. گره از مشکلاتم گشوده شد.

به دلم افتاد ارادت و عشقی را که به ایشان داشته و دارم در قلمم هم جاری و ساری شود. اذن گرفتم، باز هم دلم را گره زدم به ضریحش. حاصل آن مجموعه ۱۲ داستانی پیش روی شما بزرگواران است که کلمه کلمه‌اش را با عشق نوشته‌ام.

ان شاء الله خداوند عالی مرتبه این بنده ناچیز خشنود باشد و امام خوبی‌ها ارادت بنده را قبول فرماید.

(صالح و طالح متاع خویش نمودند

تا که قبول افتد و که در نظر آید)^۲

و من الله التوفیق...

زمستان ۱۴۰۲

فاطمه نودهی